

کیفرهای اجتماعی محور: از نظریه تا عمل

با تأکید بر پیش‌نیازهای اعمال کیفرهای اجتماعی محور در ایران

محمد یکرنگی^۱، مهدی ایرانمنش^۲

چکیده

کیفرهای اجتماعی محور در عمر کوتاه خود توانسته اند به خوبی جای خود را در قوانین کشورها باز کنند. صرف نظر از اهداف این کیفرها، اعمال مؤثر آنها منوط به شرایط و پیش‌نیازهای اجتماعی، فرهنگی و قضائی از جمله سرمایه‌گذاری و ارتقاء آگاهی و علاقه‌مندی دست‌اندرکاران عدالت جنائی و مردم است که در صورت فقدان هریک، این کیفرها نمی‌توانند کارایی لازم را داشته باشند. این مقاله پس از بررسی اهداف مجازات‌های اجتماعی و پیش‌نیازهای ضروری برای اعمال آنها، به بررسی شرایط کنونی برای اعمال مجازات‌های اجتماعی در ایران پرداخته و نتیجه‌گیری می‌نماید که در حال حاضر جامعه ایران به دلیل مهیا نبودن این شرایط قابلیت پذیرش این مجازات‌ها را ندارد و در پایان برای اجرائی شدن لایحه مجازات‌های اجتماعی پیشنهادهایی ارائه می‌نماید.

واژگان کلیدی

کیفرهای اجتماعی محور، سیاست جنائی، زندان، اصلاح مجرم

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی
۲. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

هیچ دولت‌مردی به مجلس نمی‌رود تا قانونی وضع نماید که باعث اغتشاش و بی‌نظمی شود و یا با وضع آن قانون حقی به ناحق از مردم سلب شود. بلکه برعکس، تمامی قانون‌گذاران هر بار که لایحه یا طرحی مطرح می‌شود، با خود می‌گویند: با وضع این قانون صلح و امنیت را به جامعه هدیه می‌دهیم. لیکن با وجود این نیت و قصد‌های نیکو، بار دیگر در سراسر دنیا مشاهده می‌کنیم قوانینی وضع می‌شوند که مغایر با مقاصد مذکور بوده‌اند. همه قانون‌گذاران می‌خواهند مملکتی امن داشته باشند که همه در آن احساس امنیت و راحتی کنند اما گاه پس از تصویب قوانین، این نیت نیکو نه تنها محقق نمی‌شود بلکه درست مغایر آن رخ می‌دهد. شاید شناخت نادرست و آگاهی ناقص از شرایط جامعه، از یک سو و عدم علم به مبانی و ضرورت تصویب قانون از سوی دیگر مهم‌ترین دلایل این امر باشد (۱: ۱۷). لذا شناخت شرایط اجتماعی و مبانی قانون بسیار حائز اهمیت است.

پیدایش مجازات‌هایی با وصف اجتماعی نتیجه گذار مراحل مختلف عدالت کیفری از گذشته‌های دور تا به امروز بوده است. فرآیندی که می‌توان در آن ردپایی از اندیشه‌های صاحب‌نظران حقوق کیفری را مشاهده کرد و به این نتیجه رسید که این نوع از واکنش‌های نوپای عدالت کیفری محصول واکنش‌های متعددی است که هر کدام در دوره‌ای از تحولات جرم‌شناختی و کیفرشناختی تجربه شده و آثار مثبت و منفی آنها مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این گذار از دهه ۱۹۷۰ میلادی طرح اندیشه حبس‌زدایی با تأکید بر آثار نامطلوب ناشی از مجازات‌های سالب آزادی، از جمله تورم جمعیت کیفری زندان، کیفرشناسان و محققان را در جست‌وجوی ارائه راه‌کارهایی نوین قرار داد. در این راستا، با پشتیبانی سازمان ملل متحد، از طریق قطعنامه‌ها، کنفرانس‌ها و اسناد بین‌المللی به تدریج واکنش‌های جدیدی وارد زرادخانه کیفری کشورها شد که به دلیل وصف جامعه‌مدار بودن عنوان «کیفرهای

اجتماع‌محور» برای آنها برگزیده شد.

در سه دههٔ اخیر نه تنها کشورها، بلکه نهادها و اسناد بین‌المللی نیز گاه به صراحت و گاه به طور تلویحی بارها حمایت خود را از این مجازات‌ها اعلام نمودند. برای نمونه، سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی^۱ یکی از برنامه‌های خود را توسعه و گسترش شیوه‌ها و الگوهای مربوط به جانشین‌های حبس معرفی کرده است (۶: ۵) یا در بند ۲-۸ قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای اقدامات غیر سالب آزادی، یک سلسله اقدامات جایگزین حبس معرفی شده است، از جمله آزادی مشروط با نظارت قضائی، حبس خانگی و کار در جامعهٔ تحت نظارت قضائی (۳۳۶: ۲). لذا، با توجه به این جهت‌گیری جامعهٔ جهانی دیر یا زود توسل به مجازات‌های اجتماع‌محور اجتناب‌ناپذیر است. لیکن کشورها باید پیش از توسل به این اقدامات زمینه‌های لازم برای اجرای آن را فراهم نمایند. همچنین با توجه به مطرح بودن لایحهٔ مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان ضرورت بحث از مبانی و اهداف آن بیش از گذشته احساس می‌شود. بنا بر این شناخت اهداف و پیش شرط‌های اعمال این مجازات‌ها در برههٔ زمانی حاضر نه تنها ضروری بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

به همین دلیل نوشتار حاضر در سه مبحث ابتدا، اهداف این مجازات‌ها را از جنبهٔ نظری بررسی می‌نماید. در این مبحث آنچه ایجاد مجازات‌های اجتماع‌محور را تقویت نمود و دورنمایی که این مجازات‌ها در صدد رسیدن به آن هستند معرفی می‌شوند. در مبحث دوم به پیش‌نیازهای اعمال مجازات‌های اجتماع‌محور در عمل پرداخته خواهد شد. در این قسمت آنچه برای اعمال موفقیت‌آمیز این واکنش‌ها لازم و ضروری می‌نماید مورد بررسی قرار خواهد گرفت و مبحث پایانی به اقدامات لازم برای اعمال مجازات اجتماع‌محور در ایران خواهد پرداخت. در این مبحث نیز شرایط اجتماعی، قضائی و فرهنگی ایران بررسی شده و به اقداماتی

که برای اجرای موفق لایحه مجازات‌های اجتماعی در ایران ضروری می‌نماید، اشاره خواهد شد.

مبحث اول: اهداف کیفی اجتماع‌محور

هنگامی که از اهداف یک پدیده اجتماعی مانند مجازات بحث می‌شود در واقع دورنمایی ترسیم می‌شود که آن پدیده در صدد وصول به آن است. لذا تمامی نظریه‌پردازان اهدافی را بیان می‌نمایند که با اجرای آن پدیده محقق خواهد شد. مجازات‌های اجتماع‌محور هم از این قاعده مستثنا نیستند و نظریه‌پردازان اهدافی را برای آن ترسیم کرده و امیدوار اند در صورت اعمال صحیح این کیفی‌ها به این اهداف دست یابند. این مبحث به بررسی این اهداف می‌پردازد.

۱. کاهش جمعیت کیفری زندان و صرفه‌جویی در هزینه‌ها

زندان به شکل امروزی در سال ۱۸۱۰ با وضع قانون کیفری فرانسه ایجاد شد. از آن تاریخ زندان به عنوان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای مجازات در حقوق فرانسه و هم‌زمان در بسیاری از کشورهای غربی رایج شد (۲۱۹: ۸). به‌رغم تمام تحولاتی که زندان تا به امروز به خود دیده است، شاید بتوان علت گسترش سریع زندان را در تبلیغات گسترده و نقش اصلاحی و انسانی بودن آن نسبت به مجازات‌های گذشته دانست. «زندان سربازخانه‌ای است با قدری سختگیری، مدرسه‌ای است بدون اغماض و کارگاهی است تاریک، اما در نهایت هیچ تفاوت عمده‌ای با آن (مدرسه) ندارد.»^۲ (۲۸۷: ۱۱) زندان

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک.: بولک، برنار؛ کیفر شناسی؛ ترجمه: نجفی‌ابرنآبادی، علی‌حسین؛ چاپ چهارم، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۴، صص ۱۸۹-۱۷۸.

۲. مقایسه این جمله با آنچه در دوران قاجار در ایران واقع می‌شد، جالب توجه است. کتاب تاریخ بیداری ایرانیان زندان‌های دوره ناصری را این‌گونه توصیف می‌کند: «زندان عبارت است از اتاق تاریک، مرطوب و کثیفی که در آن جز غل و زنجیر برای گردن و پشه و کک و شپش و ساس برای اذیت، دیگر چیزی پیدا نمی‌شود. در ۲۴ ساعت شبانه روز پنج سیر نان خشک به هریک می‌دهند. آب خیلی کم و به ندرت می‌دهند، برای اینکه محتاج به ادرار نگردند. درب زندان کوچک بوده در وقت داخل شدن باید خم شوند. بالای درب پنجره آهنین نصب کرده بودند و بعضی اوقات رعایای خارجه به تماشای آنها می‌آمدند و بر حال آنها گریه می‌کردند.»

به علت دور شدن از مجازات‌های ترضیلی و بدنی گذشته چون شلاق، داشتن نقش اصلاحی و دور نگاه داشتن مجرم از جامعه، مورد توجه عامه مردم و دولتمردان قرار گرفت و باعث شد در زمان کوتاه مجازات اصلی بسیاری از جرائم گردد. به طوری که طبق آمار برای مثال در سال ۱۹۹۰ به ترتیب در فرانسه، ایتالیا و انگلستان تعداد ۸۷۶۴۸، ۶۵۶۳۱ و ۵۶۰۶۹ نفر به حبس محکوم شدند (۲۴: ۶).^۱

این افزایش جمعیت کیفری زندان هم برای دولت و هم برای خانواده فرد هزینه‌بردار بود (۸۹: ۱۲). از طرفی، پرداخت‌کنندگان مالیات هم چندان مایل به پرداخت هزینه هنگفت برای مجرمان نیستند. مجازات‌های اجتماع‌محور نه تنها باعث جلوگیری از افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شود، بلکه حتی در برخی موارد مانند خدمات اجتماع‌محور^۲ و جزای نقدی روزانه دارای بار مثبت مالی برای جامعه و دولت است. از جهت مقایسه میزان هزینه تحمیلی هر زندانی بر دولت با هزینه مجازات اجتماع‌محور، طبق آمار در اواخر دهه ۱۹۹۰ هزینه هر زندانی انگلیسی سالانه سی و هفت هزار و پانصد پوند و هزینه هر حکم آزادی مشروط دو هزار و پانصد و بیست و هفت پوند است (۳۲: ۱۳). بنا بر این یکی از اهداف اصلی مجازات‌های اجتماع‌محور علاوه بر کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌ها است.

۲. بازپذیری اجتماعی و تقویت حس مسؤولیت در بزه‌کار

یکی از اهداف اصلی کیفرها اصلاح بزه‌کار است. ریشه‌های این تفکر اگرچه

→ (ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی؛ تاریخ بیداری ایرانیان؛ جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۱۷۰).

۱. تعداد زندانیان این کشورها در سال ۲۰۰۷ به ترتیب: ۵۲۰۰۹، ۶۱۷۲۱، ۸۸۴۵۸ نفر بود. (۱۹) لذا چنان‌که مشاهده می‌شود به‌رغم افزایش جمعیت و بزه‌کاری در فرانسه و ایتالیا شمار زندانیان در این هفده سال (۲۰۰۷-۱۹۹۰) کاهش یافته که می‌توان یکی از علل آن را توسل به مجازات‌های اجتماع‌محور در این کشورها دانست.

به نظرات فلسفی - حقوقی افلاطون ارسطو و آشیل باز می‌گردد، اما این موضوع به عنوان یک نظریه در کیفرشناسی در اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده ارائه شد. در سال ۱۹۰۱ هنری بوائیه بیان داشت: «افراد نا به‌هنجار و کجرو خواستار آنند که درمان ویژه‌ای غیر از مجازات برای آنان فراهم آید. پاسخ این درخواست «اصلاح و درمان» بیماری و رفع شرایط نابه‌هنجار است که مانع از اطاعت قانون شده است.» (۴ : ۴) این هدف کیفر به ویژه پس از ظهور جنبش دفاع اجتماعی نوین مهم‌ترین هدف مجازات تلقی شد (۳۳ : ۳). مجازات‌های اجتماع‌محور نیز به واسطه داشتن صبغه اجتماعی و ادعای آن که در جهت جلوگیری از اثرات سوء زندان ایجاد شده‌اند، این هدف را در صدر اهداف خود قرار داده‌اند. همچنین، در خلال اجرای مجازات‌های اجتماع‌محور بزه‌کار از عمق و صدمه ناشی از رفتار خود نسبت به جامعه و بزه‌دیده آگاه می‌شود و با احیای احساسات نیک انسانی، مسؤولیت اعمال خود را خواهد پذیرفت و در مجازات‌هایی چون خدمات اجتماع‌محور و تعلیق مراقبتی از مهارت‌ها یا آموزش‌های لازم بهره‌مند می‌گردد و زمینه بازگشت وی به جامعه فراهم می‌شود.

۳. مبارزه با افزایش تکرار جرم

به‌رغم عمر کوتاه زندان در جوامع غربی به علت عدم تأمین اهداف مورد نظر این جوامع، زندان‌ها با تحولات بسیاری روبه‌رو شده‌اند و شیوه‌های مختلف حبس ابداع و تجربه شده‌است. همه این شیوه‌ها داعیه اصلاح و درمان جرم را داشته‌اند. اما امروزه زندان مکانی برای اصلاح و درمان نیست که مدرسه تکرار جرم است به طوری که «بیست و نه درصد افراد به طور مرتب مرتکب جرم شده، به زندان بازگشت نموده‌اند. بدین ترتیب در می‌یابیم که زندان نه تنها برای افراد سابقه‌دار (یعنی ۲۹ درصد) کاری صورت نمی‌دهد، بلکه سایر زندانیان یعنی زندانیان بی‌سابقه هم در معرض آموزش‌های غلط آنان قرار می‌گیرند. با این

وضع زندان نمی‌تواند مکان اصلاحی و تربیتی باشد». (۱۱۳: ۱۴) به همین دلیل برخی سخن از الغای آن به میان می‌آورند.^۱ از طرفی دیگر، حبس برچسبی به فرد می‌زند که باعث می‌گردد فرد پس از ورود به جامعه از آن طرد شود و پس از قبول شخصیت مجرمانه خود به نقش آفرینی به عنوان مجرم ادامه دهد. این امر در مجازات‌های اجتماع‌محور مدنظر قرار گرفته است. مجازات‌های اجتماع‌محور با هدف کاهش تکرار جرم پا به عرصه ضمانت اجراهای کیفری گذارده اما نه با روش‌های انفعالی بلکه با تأثیرگذاری بر بزه‌کار جهت بازسازی اجتماعی او. به عنوان نمونه در خدمات اجتماع‌محور مطالبه این خدمات از بزه‌کار نشان از آن دارد که جامعه وی را طرد نموده است و هم‌چنان او را عنصر مطلوبی می‌داند، لذا آمیزه‌ای از مجازات و بازسازی بدون آن که انگ و برچسبی بر وی زده شود او را از تکرار بزه منصرف خواهد کرد.

۴. جبران خسارات بزه‌دیده

از زمانی که بزه‌دیده در قلمرو مطالعات جرم‌شناسی وارد و دانش بزه‌دیده‌شناسی ایجاد شد و به ویژه پس از ظهور بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (ثانویه)^۲ و رواج این تفکر در کشورهای مختلف، قانون‌گذاران و نظریه پردازان ناگزیر از مدنظر قرار دادن بزه‌دیده در مطالعات و اعمال خود شدند. چنان که این اندیشه به یکی از ارکان اصلی عدالت ترمیمی بزه‌دیده تبدیل شده است. برای مثال، بیزمور و آل‌گریو عدالت ترمیمی را چنین تعریف کرده اند: «عدالت ترمیمی هر اقدامی است که قبل از هر چیز به سمت اعمال عدالت از طریق جبران و ترمیم خسارات و صدماتی که با ارتکاب جرم به وجود آمده جهت‌گیری می‌کند.» (۲۳: ۱۵) و یا در تعریف دیگری آمده است: «عدالت ترمیمی

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک.: توماس، جیم؛ و بویلفیلد، شارون؛ نقد و بررسی یک نظریه از جرم‌شناسی رادیکال: تفکر مجدد الغاگری یا لغو مجازات حبس؛ ترجمه: گودرزی، محمدرضا؛ مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۵۸-۱۴۲.

۲. برای آگاهی بیشتر، ر.ک.: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۱۳.

به دنبال کمک به ترمیم و بهبودی وضعیت بزه‌دیده و قادر ساختن همه طرف‌های دارای حق، نقش یا سهم در عدالت برای شرکت مؤثر و مثمرتر در آن است.» (۲۴: ۱۵) به همین جهت امکان ترمیم، جبران خسارت، بازسازی و احیای دوباره زندگی بزه‌دیده و اعاده وضع او به شرایط قبل از بزه‌دیدگی و توزیع عدالت و امنیت در جامعه از مقاصد عدالت ترمیمی هستند. مجازات‌های اجتماع‌محور نیز که در راستای مشارکت مؤثر جامعه و بازپذیری مناسب تر بزه‌کار، درصدد آن اند که با توجه به شرایط بزه‌کار و وضعیت مالی او در جهت جبران خسارت بزه‌دیده قدم بردارند. جبران خسارتی که هم به صورت مادی و هم به صورت معنوی قابل تحقق است. به‌ویژه در برخی مجازات‌های جایگزین مانند خدمات اجتماع‌محور شرط اعمال، جلب رضایت و جبران خسارت بزه‌دیده است.

۵. ایجاد اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری

مردم هنگامی احساس امنیت و آرامش می‌کنند که اجرای قانون را با چشمان خود مشاهده کنند. امروزه شمار زیاد زندانیان و هزینه‌های بالای آنها باعث شده که بسیاری از محکومان به حبس به مرخصی‌های گاه طولانی مدت بروند لذا بزه‌دیدگان و جامعه ناآشنا با حقوق با مشاهده این افراد گمان به فساد دستگاه قضائی برده و احساس بی‌اعتمادی در آنها زیاد می‌شود. حقیقت این است که پاسخ به برخی از گرایش‌های سخت‌گیرانه نسبت به جرم و ضرورت فراهم کردن منابع مالی برای مبارزه با آن بسیاری از مسؤولان کشورها را با مشکل روبه‌رو کرده است. در برابر زندان‌های پر جمعیت و هزینه‌های سنگین ساخت زندان، مجازات‌های اجتماع‌محور مسؤولان را توانا می‌کند تا به جامعه اطمینان دهند که ضمن صرفه‌جویی‌های مالی و مدنظر قراردادن اقدام‌های پیش‌گیرانه ناظر به وقوع جرم، با جرم ارتكابی نیز به شدت برخورد می‌شود (۱۹۸: ۱۶). به عبارت دیگر از یک

طرف، به علت آن که مجازات اجتماعی هزینه کم‌تری برای دولت دارد و جامعه مدنی نیز در اجرای آن مشارکت دارد و به عینه اجرای مجازات را مشاهده می‌نماید، اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری بیش‌تر خواهد شد و از طرفی دیگر، به علت مشارکت مردم رابطه مستحکم‌تری بین دستگاه قضائی و شهروندان ایجاد می‌شود.

موارد مذکور در این مبحث اهدافی بود که نظریه‌پردازان مجازات‌های اجتماع‌محور در ابتدای پیشنهاد این کیفرها مدنظر داشته‌اند، ولی برای اعمال مؤثر مجازات‌های اجتماع‌محور وجود پیش‌نیازهایی در جامعه ضروری است، لذا مبحث آتی به بررسی این پیش‌نیازها خواهد پرداخت.

مبحث دوم: پیش‌نیازهای اعمال مؤثر کیفرهای اجتماع‌محور

نظریه‌ای که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جامعه ارائه گردد، نظریه‌ای مناسب است. ولی اجرای در عمل، نیازمند اقدامات و زمینه‌هایی است که در صورت محقق نشدن، آن نظریه ناکام می‌ماند. این مبحث به بررسی پیش‌نیازهایی می‌پردازد که هر کشوری باید برای اعمال مؤثر مجازات اجتماع‌محور تدارک ببیند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. تصویب متون قانونی

مجازات‌های اجتماع‌محور به هر حال ضمانت اجرای کیفری تلقی می‌شوند؛ ضمانت اجراهایی که به رغم جامعه‌مدار بودن با حقوق اشخاص تعارض دارند. این امر باعث می‌شود که این ضمانت اجراها نیز از اصول کلی حاکم به مجازات‌ها پیروی نمایند. یکی از اصول اولیه در حقوق کیفری هر کشور اصل قانون‌مندی جرم و مجازات است. پس قانون شرط اول برای تحمیل هر گونه مجازاتی است. مجازات‌های اجتماع‌محور هم از این قاعده مستثنا نیستند. در صورتی که جامعه‌ای در صدد اعمال مجازات‌های اجتماع‌محور

باشد باید به تصویب یک متن قانونی اقدام نماید. این قانون به معنای صرف تصویب متنی توسط قوه مقننه نیست بلکه به معنای آن است که باید متنی تصویب شود که در آن طبق اصل کیفی بودن جرائم و مجازات‌ها به روشنی تکلیف شهروندان معین شود. لذا، باید در این متن مقامات صادرکننده، مجری، نظارت‌کننده، انواع مجازات‌های اجتماع‌محور و شروط اعمال آنها، نحوه اعتراض و به طور کلی تمامی امور مربوط به شکل و ماهیت به طور کامل مشخص و معین گردد تا هر شهروند بتواند وضعیت خود را در برابر این قانون درک نماید.

از طرف دیگر، برای تصویب قانونی مناسب قانون‌گذار باید اطلاعات جامع و صحیحی از وضعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... داشته باشد و از آنجا که اعمال مجازات‌های اجتماع‌محور تا حد بسیار زیادی وابسته به نوع جامعه‌ای است که در آن اجرا می‌شود، به‌رغم داشتن محاسن بسیار، به طور یکسان در تمامی جوامع قابل اعمال نمی‌باشند. جامعه همیشه طالب امنیت است و یا به عبارت بهتر افراد جامعه باید در زندگی اجتماعی خود احساس امنیت نمایند. به همین دلیل در جوامعی که میزان خشونت و بزه‌کاری بسیار بالا است و تاکنون مجازات‌های سنتی و سزاگرا اعمال می‌شده است تبدیل ناگهانی مجازات‌های سنتی به مجازات‌های اجتماع‌محور نه تنها نمی‌تواند چاره‌ساز باشد، بلکه ممکن است باعث افزایش ناگهانی جرائم و تورم بزه‌کاری در جامعه شود. لذا، برای تصویب قانون مناسب برای مجازات‌های اجتماع‌محور، دولت باید شناخت صحیحی نسبت به گونه بزه‌کاران موجود در آن جامعه، نوع جرائم ارتكابی، آمار دقیق بزه‌کاری با تفکیک زمان مکان و نوع آن و رقم سیاه بزه‌کاری داشته باشد و با توجه به این داده‌ها و گذر زمان شروع به اعمال این مجازات‌ها نماید.

موضوع دیگری که قانون‌گذار باید به هنگام وضع قانون مدنظر قرار دهد،

مسأله توسعه شبکه کیفری^۱ است. توسعه شبکه کیفری باعث می شود که دامنه و مناسبت مداخله کیفری افزایش یابد. در کیفرهای سنتی مانند حبس، شلاق، جزای نقدی محکوم علیه پس از تحمل مجازات از حوزه اقتدار دستگاه قضائی خارج شده و دیگر دستگاه‌های دولتی نظارتی بر وی نداشتند. ولی در مجازات‌های اجتماع محور فرد در تمام طول مدت اجرای مجازات تحت نظارت دقیق مأموران نظارتی قرار دارد. همچنین شخص در صورت نقض شرط‌های مجازات‌های اجتماع محور به کیفر حبس محکوم خواهد شد. لذا، در واقع این کیفرها باعث افزایش کنترل اجتماعی بر افراد و توسعه شبکه کیفری شده اند. ره آورد توسعه شبکه، تضییق هم‌زمان منافذ شبکه نظارت دولت و گرفتاری بیش تر افراد است زیرا توسعه شبکه جرم‌زاست و بر اساس نظریه برجسب زنی، با کنترل اجتماعی بیش تر و واکنش نسبت به متخلفان، به عنوان مجرمان، افراد دچار مشکل می شوند. همچنین بزه‌کارانی که در انجام نتایج ترمیمی کوتاهی کنند دوباره به دادرسی رسمی ارجاع می شوند و ناگزیر به تحمل کیفرهای سنتی هستند (۱۵۸ : ۹). جهت محدود کردن این مشکل شایسته است قانون‌گذار در زمان تدوین مواد به طور صریح و دقیق حدود اختیارات و وظایف مأموران تعلیق مراقبتی و سایر مجریان مجازات‌های اجتماع محور را بیان نماید تا محکوم علیه با کنترل‌های اضافی و نابه‌جای مأموران، که باعث نقض حقوق شهروندی و بشری وی می شود، مواجه نگردد. همچنین مناسب است قانون‌گذار مجازات سنتی (حبس) ناشی از نقض شرایط مجازات اجتماع محور را، به عنوان آخرین حربه و آن هم پس از چندین مرحله (مانند تذکر شفاهی، کتبی، افزایش دوره مجازات و شرایط آن) پیش‌بینی نماید تا هم حداکثر حسن نیت خود را برای اصلاح مجرم به جامعه و محکوم علیه نشان دهد و هم تا حد ممکن از معایب کیفرهای سنتی دوری نماید.

۲. تقویت علاقه‌مندی دست‌اندرکاران عدالت کیفری برای اعمال مجازات‌های

اجتماع‌محور

قضات و پلیس اغلب بر این عقیده‌اند که مجازات اجتماع‌محور نوعی آسان‌گیری بر مجرم است که نفع جامعه را تأمین نمی‌نماید و ارضاء حس انتقام‌جویی و تشفی خاطر بزده‌دیده را نیز مهیا نمی‌کند. از آنجا که تعیین مجازات و ضمانت اجرای مناسب در فرآیند کیفری تنها توسط قضات صورت می‌گیرد، لذا تقویت علاقه‌مندی قضات و اطلاع‌رسانی به آنها برای اجرای این مجازات‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. قضات نیز به عنوان افرادی که مجازات مناسب را برای مجرم تعیین می‌کنند باید شناخت کافی از انواع مجازات‌ها، اثرات، فواید و نحوه اجرای آنها داشته باشند. از آنجا که مجازات‌های اجتماع‌محور یک پدیده نوظهور در اغلب جوامع است و از شدت کم‌تری نسبت به مجازات‌های سنتی برخوردارند، قضات به آنها به دیده شک می‌نگرند. لذا اطلاع‌رسانی و توجیه قضات و سایر دست‌اندرکاران عدالت کیفری برای اعمال این مجازات‌ها ضروری است. بیانیه ایبجان درباره جایگزین‌های مجازات زندان که در فوریه ۲۰۰۰ توسط سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی^۱ کمیسیون ملی حقوق بشر^۲ و طرح اقدام به بازپروری و رفاه زندانیان^۳ صادر شده در بخش راه‌کارهای اجرائی عنوان می‌دارد، باید هر چه سریع‌تر پروژه‌ای برای نگارش و تهیه کتابچه‌ای جهت راهنمایی قضات در رسیدگی‌های کیفری در نظر گرفته شود (۶۷: ۱).

۳. به کارگیری نیروی کار حرفه‌ای برای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور

شخصی که مجازات اجتماع‌محور در مورد وی صادر می‌شود در طول تحمل آن همواره مورد نظارت قرار می‌گیرد. این نظارت اغلب توسط مأموران مراقبتی یا

1. Penal Reform International
2. National Human Right Commission
3. Prisoners Rehabilitation and Welfare Action

مددکاران اجتماعی است که تحت نظر قاضی اجرای مجازات صورت می‌گیرد. برای مثال در امریکا ایفای نقش مأمور تعلیق مراقبتی نیازمند مهارت‌های زیر است:

- ۱- ارائه مشاوره مستقیم و خدمات به افراد نیازمند مددکاری اجتماعی؛
- ۲- مصاحبه و گردآوری داده‌های مربوط به خدمات اجتماعی؛
- ۳- ارائه توصیه‌های شخصیتی؛
- ۴- حفظ روابط کاری با کارگزارهای مجری قانون؛
- ۵- استفاده از منابع و خدمات اجتماعی؛
- ۶- استفاده از کمک‌های داوطلبان و مأموران تعلیق مراقبتی؛
- ۷- نوشتن گزارش‌های مربوط به مرحله پیش وضعیت؛
- ۸- کار با خانواده نوجوان و کودک تحت نظارت؛
- ۹- ارائه خدمات تخصصی همانند کار گروهی مشاوره تغییر رفتار یا مشاوره واقعیت - درمانی؛

۱۰- نظارت تخصصی بر افراد نیازمند مددکاری اجتماعی؛

۱۱- تصمیم‌گیری در خصوص فسخ تعلیق مراقبتی و خاتمه آن (۱۷۲ : ۱).
بی‌گمان مهارت‌های فوق نیازمند آموزش اند لذا، عدم مهارت مأموران اجرای کیفرهای اجتماع محور می‌تواند یکی از مشکلات عمده در مسیر اجرای این مجازات‌ها باشد^۱. بنا بر این پیش از اعمال مجازات‌های اجتماعی از یک سو نیاز به تدارک وسایل و امکانات لازم و از سوی دیگر نیروی کار حرفه‌ای مشهود می‌باشد. زیرا نظارت مستمر بر شخص ممکن نیست مگر توسط نیروی انسانی آموزش‌دیده و با امکانات کافی. از سوی دیگر، با توجه به گستردگی مجازات‌های اجتماع محور هر یک از این نیروهای انسانی باید آموزش‌های خاص مربوط به آن مجازات را نیز دریافت دارند^۲. لذا تربیت و

۱. این امر اگرچه قابل حل است ولی حل آن خود مشکل دیگری را پیش می‌آورد که آن هزینه بر بودن این آموزش‌هاست که در بند آتی ذکر می‌شود.

۲. شایان ذکر است که در این میان می‌توان از مشارکت سازمان‌های غیردولتی (NGOs) نیز استفاده نمود.

آموزش نیروی انسانی متخصص یکی از پیش‌نیازهای ضروری برای اعمال این مجازات‌ها ست، زیرا در صورت تأمین تمامی پیش‌نیازها و رفع همه موانع در صورت عدم وجود بازوی اجرائی برای اعمال این مجازات‌ها، عملاً این کیفرها غیر قابل اجرا خواهند ماند.

۴. سرمایه‌گذاری

مانع دیگر در مسیر پذیرش مجازات‌های اجتماع‌محور که بایستی پیش از اجرا مرتفع شود، هزینه‌بر بودن آنها ست. به‌رغم این نکته که مجازات‌های اجتماع‌محور باعث کاهش هزینه‌های نگهداری پرخرج زندانیان می‌شود، اما نمی‌توان این واقعیت را نیز انکار نمود که این مجازات‌ها دارای هزینه‌های خاص خود می‌باشند. برای مثال، در خصوص نظارت الکترونیکی افزون بر مخارج نخستین برای تجهیزات نظارت الکترونیکی هزینه‌های دیگری نیز باید لحاظ شود. از جمله پرداخت اضافه‌کاری به مأموران نظارت که باید شب و روز به ویژه در پایان هفته نیز انجام وظیفه کنند. هزینه آموزش کارکنان برای استفاده از تجهیزات پیچیده و هزینه آموزشی قضات نیز به مخارج اولیه اضافه می‌شود^۱ (۴۱۰: ۱). بنا بر این باید هنگام تصویب قانون منابع مالی برای اجرای آن نیز پیش‌بینی شود. مجازات‌های اجتماع‌محور به‌ویژه در کشورهایی که در ابتدای ایجاد این ضمانت‌اجراها هستند نیازمند سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی می‌باشد. این منابع مالی باید از دو جهت تأمین گردد. اول، در جهت تهیه وسایل مورد نیاز و دوم، در جهت تربیت نیروهای متخصص. در خصوص مورد اول مانند وسایلی که برای نظارت الکترونیکی مورد نیاز است و یا تهیه مکان‌های آموزش افراد برای مهارت‌های کاری یا زندگی و مورد دوم، مانند آموزش نیروهای متخصص خواه مأموران تعلیق و خواه مددکاران اجتماعی. از طرف دیگر تأمین دستمزد این افراد نیز باید در منابع مالی که جهت اجرای این ضمانت‌اجراها

۱. نظارت الکترونیکی به زعم عده‌ای باعث صرفه‌جویی در پول نخواهد شد مگر این که ضرورت ساخت زندان‌های جدید را مرتفع سازد. (۱:۴۱۰)

پیش‌بینی می‌شود، مدنظر قرار گیرد.

۵. ارتقاء آگاهی‌های عمومی

علوم انسانی همواره متکی به انسان است. انسان‌ها در علوم‌ی چون حقوق از بعد جمعی و فردی مورد توجه قرار می‌گیرند. بنا بر این عقیده و نظر شهروندان در هر پدیده‌ی جدید، به ویژه آن‌جا که به حقوق آنها مربوط می‌باشد، حائز اهمیت است. امروزه، به ویژه در جوامع حد فاصل جوامع مکانیک و ارگانیک^۱، مجازات هنوز هم وسیله‌ای جهت نشان دادن قدرت دولت و ایجاد تشفی خاطر بزه‌دیده و احساس امنیت در جامعه است. در چنین جوامعی، مجازات‌های اجتماع‌محور به علت آن‌که سرسختی و سنگینی مجازات‌های سنتی را همراه ندارند در ابتدا مورد قبول واقع نخواهند شد. در این جوامع با اعمال این مجازات‌ها گمان می‌رود که نظام عدالت کیفری برای از سر گذراندن تعهد نگهداری مجرمین قصد آسان‌گیری به مرتکبان جرائم را با کیفرهای اجتماع‌محور دارند. لذا، حاضر به پذیرش آنها نیستند و اگر خود نیز بزه‌دیده واقع شوند اتخاذ این تدابیر را بزه‌دیدگی مضاعف نسبت به خود تلقی می‌نمایند. بنا بر این پذیرش مجازات‌های اجتماع‌محور توسط مردم از پیش‌نیازهای ضروری برای اعمال این مجازات‌ها است. اطلاع‌رسانی و آگاه‌ساختن مردم از این امر که ضمانت اجرای سنتی امروزه در عمل نتوانسته به اصلاح واقعی بینجامد و شمار زیاد زندانیان دولت را دچار مشکل نموده است، می‌تواند در نگرش جامعه به این مجازات‌ها تأثیر عمده داشته باشد. در همین راستا در قسمت راه‌کارهای اجرائی بیانیه^۲ ابیجان درباره^۳ جایگزین‌های مجازات زندان (۲۰۰۰) به صراحت بیان شده است «لازم است برنامه‌هایی جهت آگاه‌سازی همگان برای دانستن

۱. از نظر دور‌کیوم جوامع مکانیک جوامعی هستند که تقسیم‌کار در آنها ابتدایی و وجدان جمعی منسجم است لذا از آنجا که جرم در این جوامع جریحه دار شدن شدید وجدان جمعی را در پی دارد، حقوق سرکوبگر عمل می‌نماید. به عکس در جوامع ارگانیک تقسیم‌کار پیچیده و نقش‌ها بر اساس مکمل بودن است و فرد مهم‌تر از جمع می‌باشد لذا در این جوامع جرم مانند جوامع مکانیک ایجاد تشویش شدید اجتماعی نمی‌کند بنا بر این حقوق کیفری روی‌هم‌رفته دارای کیفرهای ترمیمی، اصلاحی و ملایم است.

این که عدالت چیست و چه باید باشد و نیز در مورد آگاه‌سازی مردم نسبت به عیب‌های ناشی از عملکرد ناقص هر یک از دستگاه‌هایی که در روند فرایند قضائی دخالت دارند تنظیم شود» همچنین، «وسایل ارتباط جمعی در ایفای نقش سازنده تشویق شوند و برنامه‌های تبلیغاتی برای عدالت را پشتیبانی کنند». به علاوه همین بیانیه حذف تبلیغات نامنصفانه و غیراخلاقی را توصیه می‌نماید (۶۷: ۱). لذا، با توجه به این امر باید دولت‌ها علی‌رغم ضرورت اطلاع‌رسانی در آگاه‌سازی شهروندان صادق باشند و نه آن که آنها را دستخوش گرایش سیاسی خود قرار دهند.

مبحث سوم: پیش‌نیازهای لازم برای اعمال مجازات اجتماع‌محور در ایران
سیاست کیفری ایران در زمینه مجازات‌های تعزیری از سال ۱۳۶۲ که قانون آزمایشی مجازات اسلامی (تعزیرات) تصویب شد تاکنون که کتاب پنجم ق.م.ا. (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب ۱۳۷۵) اجرا می‌شود، همواره در حال تغییر و در پرده‌ای از ابهام بوده است. قانون‌گذار در سال ۱۳۶۲ با تصویب قانون فوق برای ۱۰۵ عنوان مجرمانه مجازات حبس پیش‌بینی کرد. ولی در ق.م.ا. این مجازات به ۲۰۶ مورد رسید. در قانون اول تعداد جرائمی که مجازات شلاق در پی داشتند ۶۴ مورد بودند ولیکن در ق.م.ا. این مجازات برای ۳۹ مورد عنوان مجرمانه پیش‌بینی شد. لذا، قانون‌گذار ایران که در سال ۱۳۶۲ به مجازات بدنی (شلاق) متمایل بود در سال ۱۳۷۵ تغییر گرایش داده و به سمت حبس رفت. این تغییر گرایش ناگهانی باعث شد در پایان دهه ۱۳۷۰ شمار زندانیان چنان بالا رود که از یک سو فضای کافی برای زندانیان و از سوی دیگر بودجه قوه قضائیه برای پاسخ مناسب به مسائل محبوسان به مشکل برخورد، به طوری که فضای موجود برای هر فرد زندانی در سال ۱۳۸۰، دو و نیم (۲/۵) متر مربع بود در حالی که استاندارد جهانی این فضا بیست متر مربع است (۲: ۷). بر اساس آمار سازمان زندان‌ها در شش ماهه

نخست سال ۱۳۸۴ بیش از دویست هزار نفر وارد زندان‌های کشور شده اند (۲۳: ۱۵). سوء بهداشت، بیماری‌های خطرناک و مسری، اعمال منافی عفت و درگیر شدن خانواده‌های زندانیان در مشکلات مالی و اجتماعی به‌ویژه در خصوص زندانیان متأهل که در خارج از محل اقامت خود زندانی بودند، مشکلاتی بود که قوه قضائیه به طور خاص و دولت به طور عام با آن درگیر بود.

تمایل قضات به صدور حکم محکومیت به زندان در اواخر دهه هفتاد خورشیدی چنان زیاد شد که طبق آمار سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در هر ۵۱ ثانیه یک نفر وارد زندان می‌شد (۲: ۷). این مشکل تا کنون هم ادامه یافته است به طوری که طبق آمار سازمان ملل، ایران در سال ۲۰۰۷ با داشتن ۱۴۷۹۲۶ نفر زندانی در رتبه دهم جهان قرار دارد (۱۹) و به ازای هر یک صد هزار نفر ۲۱۴ نفر در زندان قرار دارد (۲۰). این شمار بالای زندانیان و مشکلات ایجادشده توسط آنها دولت را بار دیگر به تغییر سیاست کیفری پس از پنج سال واداشت. در این چهارچوب ابتدا رئیس قوه قضائیه با صدور بخش‌نامه‌هایی به قضات توصیه صدور مجازات‌های غیر سالب آزادی را نمود. برای نمونه بخش‌نامه شماره ۱۳۸۰/۱/۷-۱/۸۰/۴۷ که در آن توصیه صدور قرار تعلیق مجازات را نمودند و یا بخش‌نامه شماره

۱. «از جمله تأسیسات حقوقی مؤثر در اصلاح اخلاقی مجرمان اتفاقی و بازداشتن بزه کاران از تکرار جرم، تعلیق اجرای مجازات می باشد که مقررات آن، به شرح فصل سوم ق.م.ا. مصوب آذرماه ۱۳۷۰ طی مواد ۲۵ تا ۳۶ پیش بینی شده است.

گزارش‌های رسیده، حاکی از آن است که دادگاه‌های رسیدگی کننده به جرائم تعزیری و بازدارنده، در عمل کمتر به این مقررات توجه می‌کنند و حال آنکه، استفاده صحیح و به‌جا از این نهاد نظام کیفری، می‌تواند تا حدود زیادی از آثار سوء زندان و تحمیل بار مالی بر بودجه، جهت تأمین مخارج زندانیان بکاهد و موجبات اصلاح مجرم و بازگشت او به زندگی عادی و تقلیل آمار جرائم تکراری را در پی داشته باشد؛ از این رو، به قضات محترم رسیدگی کننده به امور کیفری، توصیه می‌گردد، در جریان دادرسی‌ها با فراهم دیدن شرایط اعمال تعلیق کیفر و مناسب نبودن اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، با استفاده از اختیارات قانونی مذکور، طی همان حکم محکومیت و برای مدتی که قانون، مجاز اعلام کرده است، کیفر را معلق و دستورهای لازم، صادر نمایند و محکوم را از عواقب نقض حکم تعلیق در مدت مزبور، آگاه سازند».

۱۳۳۹۴/۱/۸۱-۱۳۸۱/۷/۱۵ که با عبارت « با توجه به تراکم بیش از حد

۱. «با توجه به تراکم بیش از حد زندانی در زندان‌های کشور و معضلات و مشکلات ایجاد شده که ضرورت تدبیر عاجل در این زمینه کاملاً محسوس می‌باشد، ... نسبت به کلیه زندانیان معتاد، مواد مخدر، چک و کسانی که در رابطه با مسایل مالی زندانی هستند به شرح دستورالعمل ذیل اقدام نموده و نتیجه اقدامات را هر سه ماه یک بار، گزارش نمایید:

۱- در اجرای ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر حبس بدل از جزای نقدی محکومان جرائم مواد مخدر و اعتیاد از لحظه ورود زندانی روزی پنجاه هزار ریال محاسبه شود.

۲- به زندانیان جرائم مواد مخدر و اعتیاد که به علت عجز از پرداخت جریمه در زندان به سر می‌برند اولاً، در اجرای تبصره یک ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، نسبت به تقسیط جریمه اقدام، ثانیاً، توسط قضات ناظر زندان با اخذ وثیقه مناسب یا کفیل معتبر به مدت یک ماه مرخصی اعطا شود تا نسبت به تقسیط باقیمانده جریمه خود اقدام نمایند.

تبصره: اجرای این بند و تشخیص ملائت کفیل برعهده رئیس حوزه قضایی بوده و چنانچه زندانی فاقد ضامن معتبر باشد به تشخیص رئیس حوزه که با التزام و قول شرف از مرخصی مراجعت خواهد نمود نیازی به اخذ کفیل یا وثیقه نبوده و مرخصی آنان بلامانع می‌باشد.

۳- به زندانیانی که حبس توأم با جزای نقدی دارند به شرط نداشتن سابقه تا یک ماه مرخصی اعطا شود تا نسبت به تقسیط جزای نقدی خود یا پرداخت آن اقدام نمایند. زندان و قاضی ناظر زندان پس از اطمینان از تقسیط یا پرداخت جزای نقدی در اجرای ماده ۳۹ قانون مجازات اسلامی نظر موافق خود را جهت آزادی مشروط زندانی به دادگاه اعلام نمایند.

۴- در اجرای ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر قضات محاکم انقلاب از تبدیل شلاق یا جزای نقدی معتادان مواد مخدر به حبس، خودداری نمایند.

۵- در مورد محکومان موضوع قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی با عنایت به بخشنامه شماره ۸۱/۱۲۵۲۳/۱ مورخ ۱۳۸۱/۶/۲۷، تاریخ محاسبه مبلغ یک صد هزار ریال به ازای هر روز بازداشت ۱۳۸۱/۱/۱ تعیین می‌گردد.

۶- در مورد زندانیانی که به جرم صدور چک بلامحل، محکوم به جزای نقدی هستند مدت یک ماه به آنان مرخصی اعطا شود تا نسبت به تقسیط جزای نقدی یا جلب رضایت شاکی اقدام نمایند.

۷- در مورد زندانیانی که در اجرای محکومیت‌های مالی ناشی از آرای دادگاههای حقوقی (احکام مدنی) در زندان هستند مدت یک ماه مرخصی اعطا شود تا نسبت به جلب رضایت محکوم له اقدام نمایند.

۸- در مورد محکومین دیه توأم با حبس یا محکومین دیه فاقد حبس یا اینکه حبس را تحمل نموده باشند، مدت یک ماه مرخصی اعطا شود تا نسبت به جلب رضایت اولیای دم و شاکی اقدام نمایند.

۹- یک ماه مرخصی مورد اشاره در بندهای ۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ این دستورالعمل در صورت لزوم برای چند بار قابل تمدید است.

۱۰- حد نصاب نگهداری زندانیان محکوم در زندان بسته برای انتقال به زندان نیمه باز و زندان باز موضوع مادین ۸ و ۱۰ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها در صورت احراز سایر شرایط مندرج در دو ماده مذکور به تشخیص مسؤولین مربوطه واگذار شود تا استفاده از زندان نیمه باز و زندان باز برای زندانیان به صورت سهل و آسان انجام شود.

۱۱- مفاد دستورالعمل فوق، شامل کسانی که برابر ماده ۲۱۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها از شمول اعطای مرخصی مستثنی می‌باشند و همچنین محکومانی که دارای سوابق متعدد مواد مخدر و طولی مدت بوده و نیز قاچاق‌فروشان که احتمال فعالیت مجدد آنان می‌باشد، نخواهد بود.



زندانی در زندان‌های کشور و معضلات و مشکلات ایجاد شده» آغاز گشته و در آن به تسهیلاتی جهت اعطاء مرخصی و محاسبه جزای نقدی بدل از حبس پرداخته شده است. همچنین در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان بر اساس آمار سازمان زندان‌ها در شش ماهه نخست سال ۱۳۸۴، دویست و هشتاد هزار نفر در موقعیت‌های گوناگون و مراسم عفو با تلاش مسؤولان و کمک‌های مردمی از زندان آزاد شده اند (۲۳ : ۱۰). علاوه بر تلاش‌های فوق بند ب ماده ۱۳۰ برنامه چهارم توسعه هم یکی از برنامه‌های توسعه قضائی را «جایگزینی مجازات حبس با مجازات‌های دیگر جهت بهره‌گیری از روش‌های نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه» عنوان کرده است. همه این عوامل باعث شد که لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان در جلسه ۱۳۸۴/۴/۸ هیأت وزیران با قید یک فوریت تصویب و به مجلس ارائه گردد.

۱۰۷

حال جای این پرسش باقی است که آیا صرف کمبود زندان و اینکه این مجازات‌ها در برخی کشورها پاسخ داده اند می‌تواند توجیه مناسبی برای طرح لایحه مجازات اجتماعی باشد؟ آیا زمینه‌های اجرائی این قانون به واقع در جامعه فعلی ایران فراهم است؟ چه موانع و مشکلاتی پیش از اجرای این قانون باید برطرف گردد؟ این مبحث در صدد پاسخ به این پرسش است.

اولین مشکل در زمینه اعمال مجازات اجتماع محور در ایران عدم آگاهی صحیح مردم از اهداف و کارکرد و چرایی ایجاد این مجازات‌ها است. به علت ضعف آگاهی و اطلاع رسانی، از یک سو و تمایل مردم به سمت کیفر در جامعه ایران از سوی دیگر، این اقدامات اجتماعی نمی‌تواند در باور شهروندان ایرانی به عنوان مجازات تلقی شود و هنگامی که شهروندان باور نکنند که دستگاه قضائی مجرمان را

تبصره: تشخیص هر کدام از موارد این بند بر عهده رئیس دادگستری استان یا نماینده او می باشد.
۱۲- قضات محاکم در هنگام صدور قرار تأمین برای متهمین، از صدور قرار بازداشت موقت یا قرار تأمین وثیقه جز در مواردی که قانوناً ملزم می باشند خودداری نموده و به کیفیتی اقدام نمایند که اخذ تأمین، نتیجتاً منتهی به بازداشت متهم نگردد».

مجازات می‌نماید و به آن به دیده تردید بنگرند (هر چند قضات با تحمیل مجازات اجتماعی به وظیفه حقوقی خود عمل کرده باشند) به آرامی از گرایش به دستگاه قضائی جدا شده و به سمت دادگستری خصوصی خواهند رفت. همچنین، در ماده یک این لایحه عنوان شده مجازات اجتماعی با مشارکت مردم و نهادهای مدنی اجرا می‌شود. این امر مشکلی دیگر ایجاد می‌کند. هنگامی که مردم به حقیقت، این مجازات‌ها را باور ندارند، چگونه می‌توان از مشارکت آنها استفاده نمود؟ لذا اطلاع‌رسانی کامل و توجیه مناسب مردم در این زمینه ضروری می‌باشد.

دومین مسأله در اعمال مجازات اجتماع محور در ایران کیفرگرایی قضات است. این موضوع را می‌توان از گزارش شماره م ۴۳۱/۱۶/۷۸۵۸-۱۳۸۱/۶/۵ سرپرست دفتر بازرسی سازمان زندان‌ها به روشنی دریافت. طی این گزارش که در پی بخش‌نامه‌های متعدد مبنی بر توصیه به عدم تعیین مجازات حبس صادر شد، دفتر سازمان زندان‌ها به رئیس قوه قضائیه گزارش می‌دهد که «اکثر قریب به اتفاق بخش‌نامه‌هایی که در موضوعات زندان و زندانی به مراجع قضائی ابلاغ فرموده اید یا اساساً به اجرا نرسیده یا اجرای آن با کمبود و نقصان‌هایی صورت پذیرفته است». لذا توجیه قضات در خصوص مجازات اجتماعی و مضرات زندان و مشکلات عملی که قوه قضائیه با آن روبه‌رو است می‌تواند در این زمینه کمک شایانی نماید.

موضوع دیگر در خصوص نیروهای حرفه‌ای جهت اعمال این مجازات‌ها است. با فرض توجیه قضات و مردم و اینکه قضات مجازات اجتماع محور صادر نمایند، آیا نیروهای لازم جهت اعمال این کیفرها وجود دارد؟ در ماده ۱۳ این لایحه عنوان شده «قاضی اجرای مجازات جایگزین زندان به تعداد کافی مددکار اجتماعی و مأمور مراقبتی در اختیار خواهد داشت». حال با توجه به آن که این لایحه حدود ۴۵/۶ درصد مجازات‌های قانونی حبس را در بر می‌گیرد^۱ به نظر می‌رسد در حال

۱. «در قوانین کیفری برای بیش از هفتصد عنوان مجازات حبس پیش‌بینی شده است. ۱۵/۶ درصد این حبس‌ها سه تا شش ماه و ۳۰ درصد آنها بیش از شش ماه تا دو سال است. به این ترتیب این لایحه چیزی حدود ۴۵/۶ درصد مجازات‌های قانونی حبس را شامل می‌شود». (ر.ک. : ویژه‌نامه مآوی، ۱۳۸۳/۱/۲۶)

حاضر به تعداد کافی مددکار اجتماعی و مأمور مراقبتی آموزش دیده برای اعمال این مجازات‌ها در اختیار قوه قضائیه وجود ندارد. لذا در صورت تصویب قانون مجری آن فاقد نیروهای لازم برای اجرا خواهد بود.

مسئله مهم پایانی که دولت باید در این مورد به آن توجه نماید تغییر ناگهانی سیاست کیفری خود با تصویب این لایحه است. آیا صحیح است که بدون هیچ گونه سابقه اجرائی آموزشی قانون مشابه، ناگهان قانونی تصویب گردد که نیمی از مجازات‌های حبس را در برگیرد. اجرای این قانون بلافاصله پس از تصویب جای تأمل بسیار دارد.

نتیجه‌گیری

اگر چه از عمر زندان به شکل نوین آن بیش از دو قرن نمی‌گذرد و در طی این دو قرن زندان برای اصلاح مناسب‌تر مجرمان اشکال متفاوتی به خود دیده است و نظام‌های اجرائی گوناگون را تجربه کرده است، اما از حدود سه دهه پیش شمار بالای زندانیان، کمبود فضای زندان، هزینه رو به افزایش آن و میزان بالای تکرار جرم در زندانیان آزاد شده، جرم‌شناسان را به اندیشه کاهش توسل به مجازات حبس به عنوان حربه اصلی نظام عدالت کیفری سوق داد. با این گرایش جدید ضمانت اجراهایی ایجاد شدند که مجازات اجتماع محور نام گرفتند.

این مجازات‌ها امروزه صورت‌های مختلفی یافته و اهداف گوناگونی را دنبال می‌کنند و هر روز در کشورهای جهان در حال گسترش هستند. به نظر می‌رسد با توجه به ویژگی‌های خاص و فواید این مجازات‌ها نسبت به مجازات‌های سنتی، امروزه اعمال این ضمانت اجراها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. ولی باید توجه نمود که هر قانونی هرچند مفید پیش از اجرا نیازمند فراهم شدن زمینه‌های بسیاری می‌باشد. در این راستا می‌توان گفت برای اعمال مجازات‌های اجتماع محور در یک جامعه باید ابتدا افکار عمومی جامعه این مجازات را بپذیرد، قضات نسبت به این ضمانت اجراها توجیه شوند، بودجه

مالی کافی برای اجرای آنها تأمین شده و قانونی با چهارچوب مستحکم به تصویب برسد. از طرفی باید توجه نمود که مجازات اجتماع محور نمی‌تواند ضمانت اجرای مناسب برای جرائم شدید باشد و در جامعه‌ای که اکثر جرائم از نوع خشونت‌آمیز است و رقم سیاه بزه‌کاری در آن بالا است، به طوری که تصمیم برای یک سیاست کیفری منسجم را غیر ممکن یا دشوار می‌گرداند اعمال مجازات اجتماع محور مانند سایر واکنش‌های کیفری نمی‌تواند اهداف از پیش تعیین شده را محقق نماید. در صورت تحقق تمامی پیش شرط‌های لازم برای تحقق این مجازات‌ها می‌توان گفت و یا حداقل در عالم نظر بر این امید بود که مجازات اجتماع محور می‌تواند فوایدی چون کاهش میزان تکرار جرم، تسریع در جبران خسارت بزه‌دیده و کاهش هزینه‌ها را در پی داشته باشد.

بدین سان می‌توان نتیجه گرفت مجازات‌های اجتماع محور در ایران با صرف تصویب قانون ایجاد نمی‌شود، بلکه نیازمند گذشتن از موانع بسیار و تدارک لوازم، امکانات و تدابیری است که در صورت فقدان هریک این قانون اجرا نخواهد شد. بررسی جامعه‌شناختی وضعیت کنونی ایران، از یک سو و بررسی جامعه‌شناختی لایحه مذکور از سوی دیگر، چشم‌ها را نگران آن می‌کند که به‌رغم وجود این گونه مجازات‌ها در زرادخانه کیفری ایران، اگر بدون آماده‌سازی بسترهای اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و ... این لایحه به تصویب برسد امکان عدم اجرای آن بسیار بالا خواهد بود و بی‌گمان به سرنوشت قوانینی چون ق.ا.ت. دچار خواهد شد که به‌رغم مدرن بودن در زمان خود به علت عدم وجود بسترهای قضائی اجتماعی هیچ‌گاه آن‌گونه که شایسته است اجرا نشد. لذا، پیشنهاد می‌گردد پیش از آنکه این لایحه در ایران تصویب شود نسبت به توجیه قضات و بالا بردن آگاهی‌های آنان در این زمینه، از یک سو و شناساندن این مجازات‌ها و فواید آن به جامعه، از سوی دیگر تلاش شود. این امر می‌تواند از طریق رسانه‌های جمعی یا بروشورها یا به هر نحو مقتضی

انجام شود، اما این اطلاع رسانی باید صادقانه صورت گیرد. همچنین آموزش نیروهای متخصص نیز ضرورت دیگری است تا پس از تصویب قانون با فقدان بازوی اجرائی مواجه نشویم و شایسته است پس از حصول این شرایط در ابتدا به طور محدود به اعمال این ضمانت اجراها اقدام شود و پس از بررسی نتایج در صورت مثبت بودن اثرات آن نسبت به اجرای آن به طور کامل در کشور اقدام شود زیرا آنچه در عالم نظر و تئوری وجود دارد با آن چه در عمل ایجاد می‌شود همواره بسیار فاصله دارد.

فهرست منابع

۱. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ چاپ اول، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۲. امیر ارجمند، اردشیر (زیر نظر)؛ مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر؛ جلد اول (قسمت اول)، چاپ اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۳. بولک، برنار؛ کیفر شناسی؛ ترجمه: نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ چاپ چهارم، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۴.
۴. بینا؛ تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۰۷۷، خرداد ۱۳۸۰.
۵. بینا؛ جایگزینی مجازات زندان با سایر مجازات‌ها؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۰۵۲، اردیبهشت ۱۳۸۰.
۶. بینا؛ خدمات عام المنفعه، جایگزینی بر مجازات حبس؛ ترجمه: سازمان اصلاحات جزائی بین‌المللی (PRI)، تهران، نشر وفاق، بینا.
۷. بینا؛ مجازات زندان و لزوم تجدید نظر در آن؛ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۰۴۱، اردیبهشت ۱۳۸۰.
۸. پوره‌هاشمی، عباس؛ زندان، هنر تنبیه یا مجازات قانونی؛ چاپ اول، تهران، معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳.
۹. زید شفیعی، مونا؛ میانجیگری کیفری؛ پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. سهراب بیگ، امیر عباس؛ مجازات‌های اجتماعی و بررسی زمینه‌های حقوقی و اجرائی آن در نظام کیفری ایران؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

۱۱. فوکو، میشل؛ مراقبت و تنبیه (تولد زندان)؛ ترجمه: سرخوش، نیکو؛ و دیگران، چاپ اول، تهران نشر نی، ۱۳۸۴.
۱۲. گودرزی، محمدرضا؛ سیاست جنائی قضائی؛ چاپ دوم، تهران، معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه، ۱۳۸۵.
۱۳. گودرزی، محمدرضا؛ (ترجمه و تحقیق)؛ کیفر شناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی؛ چاپ اول، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۴.
۱۴. گودرزی، محمد رضا؛ نارسایی‌های زندان، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، شماره‌های ۱۰ و ۹، ۱۳۸۲.
۱۵. نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی؛ مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، شماره‌های ۱۰ و ۹، ۱۳۸۲.
۱۶. هاشم بیگی، حمید؛ تعلیق مراقبتی مجازات؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۷. یکرنگی، محمد؛ حدود اختیارات پلیس در حقوق ایران و انگلستان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.

18. Dignan, James; **Understanding victims and restorative justice**; Open university press, second edition, 2005.
19. <http://hdrstats.undp.org/indicators/264.html>
20. <http://hdrstats.undp.org/indicators/265.html>
21. **The history and philosophy of punishment and penology**; <http://faculty.ncwc.edu/toconnor/294/294lect02.htm>